

ظرفیت‌های شناختی انسان؛ ابزاری در تحقق سیاست‌های حوزه علم و فناوری اقتصاد مقاومتی

محمدحسین رحمتی*

سید حسین اخوان علوی**

اعظم میرزمانی***

روح‌اله ابراهیمی****

چکیده

اقتصاد مقاومتی طرحی است که با بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی و با مختصات مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، ترمیم نواقص و معایب اقتصاد، به دنبال ارائه مدل کارآمدی از اقتصاد در جامعه اسلامی است. مقام معظم رهبری پس از تعریف و تبیین دقیق این طرح، سیاست‌هایی را ابلاغ نموده تا بر اساس آنها اقتصاد مقاومتی به مرحله اجرا درآید. پژوهش حاضر با تمرکز بر سیاست‌های ابلاغی این طرح در حوزه علم و فناوری، تلاش نموده تا بهره‌گیری از ظرفیت‌های شناختی انسان را به‌عنوان راهکاری در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بخش یادشده معرفی نماید. یادآوری، برقراری ارتباط میان مفاهیم، نمادسازی و تصویرسازی در زمره فرایندهای شناختی انسان هستند که به‌عنوان ظرفیت‌هایی برای بدیهی نمودن مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و باورمندی آن‌ها هستند که مقدمات عملیاتی شدن آنها را فراهم می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، فرایندهای شناختی، سیاست‌های کلان، سیاست‌های حوزه علم و فناوری.

* استادیار گروه مدیریت بازرگانی و کسب و کار پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول: mhr Rahmati@ut.ac.ir)

** استادیار گروه مدیریت دولتی پردیس فارابی دانشگاه تهران.

*** استادیار گروه مدیریت دولتی پردیس فارابی دانشگاه تهران.

**** دانشجوی دکتری مدیریت دولتی پردیس فارابی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۷

مقدمه

اقتصاد مقاومتی مدلی فعال برای نظام اقتصادی است که در عین پویایی، کمترین اثرپذیری را از تکانه‌های اقتصادی ناشی از هجوم دشمنان خواهد داشت؛ لذا اجرای این مدل از اقتصاد ضروری بوده و نیازمند اراده و تلاشی همه‌جانبه از طرف حکومت و مردم است. اهمیت فراوان این مسئله سبب شده تا مقام معظم رهبری سیاست‌های ۲۴گانه‌ای را برای اجرای این الگوی اقتصادی، ابلاغ نماید تا بر اساس آنها مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در میان افراد جامعه نهادینه شده و فرهنگ بهره‌برداری آن ایجاد گردد. برخی از این سیاست‌ها در حوزه علم و فناوری است که می‌توان ظرفیت‌های مختلفی را برای عملیاتی نمودن آن به کار گرفت؛ ظرفیت‌های شناختی انسان از جمله ظرفیت‌هایی است که به سبب فراگیری و عمومیت آنها در همه انسان‌ها، از اهمیت بالایی برخوردار بوده و به سبب آنها می‌توان در معرفی و پذیرش مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، بهره‌های فراوانی گرفت و به تبع آن، اقتصاد مقاومتی را یک گام به تحقق آن نزدیک نمود. برای این منظور، پس از استخراج مؤلفه‌های بنیادین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در حوزه علم و فناوری، سعی بر آن شده تا میان آنها و فرایندهای شناختی انسان ارتباط برقرار نموده و راه‌های بهره‌گیری از این ظرفیت، برای تحقق سیاست‌های یادشده، مورد بررسی قرار گیرد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. اقتصاد مقاومتی

تعاریف متعددی برای اقتصاد مقاومتی بیان شده است؛ گروهی آن را به‌مثابه «اقتصاد موازی» دانسته و مقاومت در اقتصاد، به‌موازات فعالیت بسیاری از نهادهای ایجاد شده توسط انقلاب اسلامی، چون کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، بنیاد مسکن و ... را مربوط به نهادی دیگر می‌دانند که ایجاد و راه‌اندازی چنین نهادی، گامی دیگر برای ادامه حرکت انقلاب اسلامی است؛ چراکه انقلاب اسلامی نیازمند نهادسازی در اقتصاد است (باقری و موسوی، ۱۳۹۷: ۱۱).

در تعریفی دیگر، اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است (پیغامی، ۱۳۹۱: ۹). در بیانی دیگر از اقتصاد مقاومتی، توجه بر هجمه‌شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی در برابر آن هجمه‌هاست

(اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۴۴). برخی نیز برخلاف رویکردهای پیشین که نگاهی کوتاه‌مدت، سلبی و پدافندی به اقتصاد مقاومتی دارد، آن را چشم‌اندازی کلان و اقدامی بلندمدت برای اقتصاد نظام جمهوری اسلامی دانسته‌اند (میلانی، ۱۳۹۴: ۱۳) بر اساس نگاه اخیر باید اقتصاد ایدئالی شکل بگیرد که در عین اسلامی بودن، الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد. نگرش اقتصاد سرمشق، بلندنظر است به طوری که بر مؤلفه‌هایی چون اقتصاد کارآفرینی، ریسک‌پذیری و نوآوری تأکید دارد (جعفری و آهنگری، ۱۳۹۱ و اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۴۴).

مقام معظم رهبری به‌عنوان ایده‌پرداز و طراح مفهوم اقتصاد مقاومتی، آن را به‌عنوان مدلی از اقتصاد می‌داند که در عین حفظ روند رشد و بالندگی خود، کمترین آسیب و اختلال را از تکانه‌های ناشی از بحران‌ها و هجمه‌های اقتصادی بیگانگان، پذیرا باشد (-http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20831). ایشان در صدر ابلاغیه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز اشاره فرموده‌اند، اقتصاد مقاومتی یک الگوی اقتصادی است که برگرفته از فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی است و خصلت بارز آن توانمندی اقتصاد کشور در مقابله با تهدیدهای دشمن و تبدیل آنها به فرصتی برای پیشرفت بیشتر است. اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که با درک عمیق از اینکه دشمن همواره در کمین اقتصاد ملی است و مداوم در حال برنامه‌ریزی و اقدامات تهاجمی و تخریبی است، ماهیت و ساختار خود را به‌گونه‌ای سامان می‌دهد که در فرض وجود دشمن به فعالیت خود ادامه دهد، به‌گونه‌ای که نه‌تنها عملیات دشمن موجب توقف فعالیت‌ها نشود بلکه حتی الامکان با تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و خنثی نمودن نقشه‌های دشمن، پویایی و رشد نیز تحقق یابد (عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۴۲). همچنین بر اساس فرمایشات معظم‌له می‌توان گفت: اقتصاد مقاومتی، گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم‌سازی و تقویت اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم شکنی با رویکرد عقب راندن نظام سلطه را داشته باشد و درعین حال پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا باشد (پیغامی، ۱۳۹۴: ۸۰). ادبیات مفهومی این موضوع و تأکیدات بر آن را می‌توان از صدر اسلام تا کنون در کلام وحی، سخنان پیامبر و اهل‌بیت ایشان و نیز در زمان حاضر در بیانات امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری مشاهده نمود (سیف، ۱۳۹۳: ۱۵).

گرچه ممکن است در کنار نام اقتصاد مقاومتی، اقتصاد ریاضتی مطرح شده در غرب به ذهن متبادر گردد، لکن اقتصاد مقاومتی چه به لحاظ اهداف و چه به لحاظ شیوه‌ها و نتایج، الگویی

خاص و منحصر به فرد است که بر اساس مبانی دینی و ارزشی اسلام و ویژگی‌های بومی ایران شکل گرفته است. علاوه بر این، اقتصاد مقاومتی امری پویا، فعال، درازمدت و هجومی است در حالی که ریاضت اقتصادی یا مقاومت اقتصادی امری کوتاه‌مدت، انفعالی، بخشی است که به‌عنوان راهکاری برای مقابله با بحران‌های اقتصادی جوامع غربی طرح شده است (قریبی، ۱۳۹۵: ۱۶)؛ اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست، به معنای در لاک خود رفتن نیست؛ یک معنای کاملاً معقول‌تر و عمیق‌تری دارد که قابل فهم و قابل دفاع است؛ و علاج هم همین است؛ ما باید بتوانیم یک اقتصادی را در کشور به وجود بیاوریم که در مقابل بحران‌ها و جزروندهای بین‌المللی مقاوم باشد، آسیب نبیند؛ این لازم است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>) در واقع، ریاضت اقتصادی طرحی برای کاهش هزینه‌ها باهدف کاهش میزان کسری بودجه است؛ گرچه علاوه بر بودجه، امنیت اجتماعی را نیز در این کشورها به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داده و افزایش قابل توجه میزان فقر طبقه کارگر را منجر شد (نیکنامی، ۱۳۹۳: ۱۶).

بنا بر آنچه گفته شد اقتصاد مقاومتی عبارت است از یک نظام اقتصادی پویا، مقاوم در برابر هجمه‌های دشمنان، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، برون‌گرا، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، دانش‌بنیان و توانمند در تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها می‌باشد.

۲.۱. شناخت

باتوجه به اینکه این واژه در عنوان مقاله آمده است و به دنبال معرفی این واژه به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های انسان می‌باشیم و همچنین از طرفی دیگر خواننده مقاله باید با نویسنده و سیر مفهومی که وی دنبال می‌کند همراه شود و از طرفی یکی از واژه‌هایی است که بارها در مقاله تکرار شده است، به نظر می‌رسد ضروری باشد که این واژه به‌عنوان یکی از واژه‌های کلیدی مقاله تبیین شود. شناخت، معادل واژه معرفت و دارای کاربردهای مختلفی است که در عام‌ترین کاربرد آن، مساوی با علم و آگاهی و اطلاع دانسته شده، گاهی به ادراکات جزئی اختصاص یافته و زمانی به معنای بازشناسی به کار می‌رود؛ گاهی نیز شناخت، به معنای علم مطابق با واقع و یقینی استعمال شده است؛ لکن برای مفهوم شناخت به‌عنوان موضوع علم معرفت‌شناسی، ممکن است هریک از معانی یادشده یا غیر آنها در نظر گرفته شود و در واقع این مسئله تابع قرارداد است، ولی از آن جهت

که هدف از بررسی مسائل شناخت، اختصاص به نوع خاصی از آن ندارد، بهتر است که همان معنای اعم و مساوی با مطلق علم اراده شود (مصباح یزدی، ۱۳۶۳: ۱۵۰).

یورکلند (۲۰۰۰) نیز معتقد است شناخت، رجوع به فرایندها یا توانایی‌هایی دارد که از طریق آنها دانش به دست آمده یا اینکه روی دانش عمل می‌شود. روان‌شناسان نیز از شناخت به فرایند کسب، سازماندهی و استفاده از معلومات ذهنی تعبیر می‌کنند؛ فلالو بر این باور است که شناخت در روان‌شناسی اشاره به فرایندهای روانی دارد که حاصل ذهن آدمی بوده و منجر به «دانستن» می‌گردد. این فرایندها شامل یادآوری، ارتباط دادن، طبقه‌بندی کردن، نمادسازی، تجسم یا تصور، حل مسئله و تخیل و رؤیایپردازی می‌شود (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۷).

۲. فرایندهای شناختی

۲.۱. یادآوری

رمزگردانی، نگهداری و یادآوری سه مرحله اساسی حافظه بوده که علی‌رغم نقش و اهمیت ویژه هر کدام، یادآوری از اهمیت و تأثیر فزاینده‌تری در زندگی روزمره افراد برخوردار است؛ به گونه‌ای که هیچ‌کدام از یادگیری‌های انسان، بدون مرحله یادآوری، معنی‌ای ندارند؛ به عبارتی دیگر تمام معلومات انسان تا زمانی که مورد یادآوری قرار نگیرد، بی‌فایده و غیرقابل استفاده خواهند بود، زیرا ذهن انسان بدون یادآوری معلومات، تنها نقش مخزنی را خواهد داشت که سرشار از معلومات بدون استفاده است. عوامل مختلفی بر فرایند یادآوری تأثیرگذار است که به برخی از آنها اشاره می‌شود؛ تشابه میان دو مطلب، از جمله مواردی است که یادآوری را تحت تأثیر قرار داده و ذهن انسان با دریافت تشابه‌ها و تمایزهای موجود میان دو مطلب ناخودآگاه به سمت یادآوری سوق داده شده و آسان‌تر خواهد شد؛ این در حالی است که عدم وجوه تمایز و تشابه مشخص میان دو یا چند مطلب، ذهن را از یادآوری مطالب موردنظر دور می‌دارد. یکی دیگر از عواملی که فرایند یادآوری متأثر از آن خواهد بود، وجود عامل هیجانی است، بدین صورت که یادگیری مطالبی که در شرایط هیجانی خاصی صورت گرفته‌اند، در همان شرایط امکان یادآوری بیشتری دارند، هرچند که عوامل هیجانی، ممکن است گاهی مشکلاتی را در امر یادگیری و یادآوری به وجود آورند.

عامل دیگری که یادآوری متأثر از آن است، سرنخ‌های کلیدی است؛ بدین صورت که وجود سرنخ‌های کلیدی در مطالبی که مورد یادگیری قرار گرفته‌اند، کمک شایانی به فراخوانی معلومات در شرایط یادگیری خواهند داشت. سرکوبی مطالب نیز عامل دیگری است که یادآوری را متأثر از خود می‌سازد؛ بسیاری مواقع مطالب ذخیره شده در اذهان انسان، به سبب شرایط هیجانی و ناراحت‌کننده حاکم بر آنها در هنگام ذخیره‌سازی در ذهن، به‌سختی مورد یادآوری قرار گرفته و یا یادآوری آنها امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲.۲. برقراری ارتباط میان مطالب

این مطلب به‌عنوان یکی از فرایندهای شناختی انسان معرفی شده و لازم است ابتدا توضیح مختصری درباره آن بیان شود تا در مرحله بعد ارتباط آن با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برقرار شود. برقراری ارتباط میان مطالب یاد گرفته شده، یادآوری آنها را سهل‌تر می‌نماید؛ چنانچه در هنگام یادگیری، میان مطالب یاد گرفته شده پیوندی برقرار شود، یادآوری آن مطالب به سبب نوع پیوند و ارتباط ایجاد شده میان آنها آسان‌تر و در دسترس‌تر خواهد بود؛ به‌عنوان مثال یادآوری اختلالات قلبی و مشکلات احتمالی به وجود آمده برای سیستم قلب انسان، برای فردی که با عملکرد قلب آشنایی دارد، آسان‌تر خواهد بود؛ زیرا می‌توان میان اختلالات قلبی و نحوه عملکرد قلب پیوندهای فراوانی ایجاد نمود.

همان‌طور که در یادداشت قبلی اشاره گردید در این مرحله فرایندهای شناختی به‌طور کلی و عام توضیح داده می‌شود و در مرحله بعد ارتباط و مثال‌های مرتبط با اقتصاد مقاومتی بیان می‌شود.

۲.۳. نمادسازی

نمادسازی از ابداعات انسان برای بیان مفاهیمی است که دارای بار معنایی خاصی هستند. این شیوه از بیان مفاهیم در طول تاریخ مورد استفاده‌های فراوانی قرار گرفته و اثرات ماندگاری توسط انسان‌های دوران مختلف به ثبت رسیده و مفاهیم ماندگاری را در تاریخ بشریت ثبت نموده‌اند. نماد، سرّ و رازی است که به یکباره جلوه‌گر نشده و همواره بایستی از نو ارزشیابی شود؛ در واقع نماد نوعی نشانه است و نشانه‌ها را می‌توان به‌صورت کلی به سه دسته تقسیم نمود: نشانه‌های طبیعی که میان نشانه و مفهوم حاکی از آن رابطه هم‌جواری وجود دارد؛ نشانه‌های تصویری که

میان نشانه و مفهوم آن شباهتی عینی وجود دارد، مانند قاشق و چنگالی که حاکی مفهوم رستوران هستند؛ نشانه‌های قراردادی که میان نشانه و مفهوم حاکی از آن، شباهت عینی و هم‌جواری وجود ندارد و در زبان فارسی به آن نماد گفته می‌شود.

در واقع نماد عبارت است از یک اصلاح، نام و یا تصویری که نماینده مفهومی در زندگی انسانی است؛ به‌طورکلی نماد در هر فرهنگی بسته به پیشینه تاریخی و اسطوره‌ای و فرهنگی آن ملت تعریف خواهد شد، گرچه می‌توان نمادهایی را یافت که بیان‌کننده معنای واحدی در میان همه انسان‌ها خواهد بود؛ از این‌رو میرچا الیاده معتقد است نماد، دنباله تجلی قداست (اسطوره) و در حکم تبلور آن است (<https://article.tebyan.net/192495>).

۴.۲. تصویرسازی

تصویرسازی مهارتی روانی است که به سبب آن تصاویر ذهنی مثبت و آشکاری در مغز انسان ایجاد و یا بازسازی می‌شود؛ در واقع تصویرسازی به معنای اندیشیدن به یک موضوع خاص است و با فکر کردن درباره یک موضوع، ذهن به خلق تصاویری برای آن اقدام می‌کند که درک آن موضوع، بدون داشتن تصاویر ایجادشده، صورت نمی‌گیرد. تصویرسازی ذهنی، متمرکز ساختن انرژی فکر بر روی موضوعی ویژه با هدفی خاص است که با بهره‌گیری از تمام حواس برای خلق یا بازآفرینی یک تجربه در ذهن تلاش می‌کند. این خلاقیت ذهنی در همه انسان‌ها، با هر میزان از بهره هوشی وجود داشته، لذا روش تصویرسازی برای همه افراد در سنین مختلف کاربرد دارد.

۳. سیاست‌های حوزه علم و فناوری اقتصاد مقاومتی

طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام از وظایف رهبری شمرده شده است؛ طبق بند دو مصوبه ۱۳۷۶/۱۰/۱۳، مجمع تشخیص مصلحت نظام، این سیاست‌ها برای تحقق آرمان‌ها و اهداف، پس از مجموعه آرمان‌ها قرار می‌گیرند و حاوی اصولی هستند که آرمان‌ها را به مفاهیم اجرایی نزدیک می‌کنند و آن سیاست‌هایی هستند که در درون نظام عملیاتی می‌شوند و دایره شمول آن قوای سه‌گانه، نیروهای مسلح، صداوسیما و همه نیروهای فعال در جامعه را دربر می‌گیرد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام بر مبنای اصل سوم و برخی اصول دیگر از قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام را به امور پنج‌گانه ۱. علمی، فرهنگی و اجتماعی؛ ۲. سیاسی (داخلی و بین‌المللی) دفاعی و امنیتی؛ ۳. اقتصادی، بازرگانی و اداری؛ ۴. زیربنایی و تولیدی؛ ۵. حقوقی و قضایی، تقسیم نموده است که بنا به اهمیتی که بخش اقتصادی دارد، بیش از ۵۰ درصد سیاست‌های ابلاغی به این بخش تعلق دارد.

در سال ۱۳۹۲ سیاست‌های با هدف ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان، سیاست‌های ۲۴گانه اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد که می‌توان آنها را در نه طبقه کلی ۱. علم و فناوری؛ ۲. تولید؛ ۳. مصرف؛ ۴. نظام مالی و درآمدی کشور؛ ۵. صادرات؛ ۶. انرژی؛ ۷. مقابله با فساد؛ ۸. فرهنگ جهادی؛ ۹. توزیع، طبقه‌بندی کرد. از بین سیاست‌های ۲۴گانه اقتصاد مقاومتی، پنج سیاست به‌عنوان سیاست‌های در حوزه علم و فناوری معرفی شده‌اند که این سیاست‌ها به شرح ذیل هستند:

۱. تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط (بند ۱).

۲. پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه (بند ۲).

۳. سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه (بند ۵).

۴. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفت‌وگوهای آن بویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفت‌وگو فراگیر و رایج ملی (بند ۲۱).

۵. دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر معمول دارد:

- شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.
- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.

- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی (بند ۲۲؛ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی؛ <https://www.leader.ir/fa/content/=11480>).

۴. مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

با تأمل در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در حوزه علم و فناوری می‌توان مؤلفه‌ها و کلیدواژه‌هایی را استخراج نمود که نقش بسیار مهمی در اجرای اقتصاد مقاومتی و بهره‌مندی از نتایج آن را دارند؛ این مؤلفه‌ها را می‌توان چنین ذکر کرد:

ردیف	عنوان مؤلفه	سیاست‌های مرتبط
۱	اقتصاد مردم پایه	تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط (بند ۱).
۲	اقتصاد دانش‌بنیان	پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه (بند ۲).
۳	عدالت اقتصادی	سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه (بند ۵).
۴	گفتمان‌سازی	تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن بویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی (بند ۲۱).
۵	استقلال و خودکفایی	دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر معمول دارد: شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب. رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن. مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی (بند ۲۲).

۴.۱. اقتصاد مردم پایه

اقتصادی که به‌عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با ارادهٔ مردم، سرمایهٔ مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به‌عنوان یک مسئول عمومی - نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>). مشارکت مردم در اقتصاد یکی از عوامل مهم در کاهش مفسده‌های اقتصادی، رانت‌خواری‌ها و ویژه‌خواری‌های هر جامعه‌ای است؛ حضور پررنگ مردم در فعالیت‌های اقتصادی جامعه به‌عنوان افراد ذی‌نفع در فعالیت‌ها، علاوه بر بالابردن وجدان کاری و دلسوزی نسبت به انجام فعالیت‌های مربوطه، سبب بهره‌گیری افراد جامعه از تمام تلاش و توان خود در جهت ابتکار و ارائه طرح‌های نو برای افزایش راندمان فعالیت‌ها خواهد شد. از این رو یکی از ارکان اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی حمایت از تولید ملی و مشارکت مردم در اقتصاد است؛ برای این منظور، جامعه نیازمند به یک نهضت ملی است تا چونان حمایت و حفاظت از کیان کشور در مقابل هجوم و تسلط بیگانگان، تولید ملی نیز مورد حمایت قرار گرفته و اقتصاد کشور را از هجوم‌های اقتصادی بیگانگان در امان نگه داشت.

۴.۲. اقتصاد دانش‌بنیان

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفت‌های علمی استفاده می‌کند، به پیشرفت‌های علمی تکیه می‌کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می‌دهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان می‌توانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نخیر، تجربه‌ها و مهارت‌ها - تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارت‌اند - می‌تواند اثر بگذارد و می‌تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته می‌شود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربهٔ صنعتگر یا کشاورز که در طول سال‌های متمادی کارهای بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ نخیر، نقش بسیار مهمی هم به عهدهٔ این‌ها است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>). اقتصاد دانش‌بنیان بر اساس تعریف

ارائه‌شده از طرف سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا و اقیانوسیه، اقتصادی است که در آن تولید، توزیع و کاربرد دانش، مهم‌ترین پیشران رشد، خلق ثروت و ایجاد اشتغال در تمامی صنایع است. در این نوع اقتصاد به تعبیر سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا و اقیانوسیه، تمامی بخش‌ها و صنایع دانش‌بر می‌شوند. به همین دلیل اقتصادهای مدرن که هرروزه دانش‌بنیان‌تر می‌شوند، عموماً بر دارایی‌های ناملموسی چون دانش، نوآوری، تحقیق و توسعه متکی شده‌اند و از این طریق توسعه اقتصادی به بار می‌آورند (Schiliro, 2012; p4). از این‌رو از ویژگی‌های اقتصاد دانش‌بنیان، تکیه بر فناوری‌های نوین و تأکید بر تخصصی نمودن، نوآوری و تحقیق علمی در حوزه اقتصاد خواهد بود.

۳.۴. عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی در عرصه‌های تولید، توزیع، مصرف، فرصت‌ها و خدمات دولت ظهور پیدا می‌کند (رجایی و معلمی، ۱۳۹۰: ۲۵). عدالت اقتصادی به معنای کاهش فاصله طبقاتی در عین پیشرفت‌های علمی و فناوری در حوزه اقتصاد است؛ در صورتی که در جامعه‌ای، تعداد محدودی بیشترین بهره مادی را از منابع آن جامعه ببرند، آن جامعه علی‌رغم پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی‌اش، جامعه‌ای عقب‌افتاده خواهد بود. از این‌رو عدالت اقتصادی به معنای تنظیم همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات و رفع محرومیت از قشرهای کم‌درآمد است که می‌تواند با عوامل متعددی محقق شود.

۴.۴. استقلال و خودکفایی

از دیدگاه مقام معظم رهبری استقلال اقتصادی - به طور خلاصه - هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی است. ببینید، آنها خودشان - آمریکایی‌ها - در همین قضایای بعد از مذاکرات هسته‌ای گفتند معامله هسته‌ای باید موجب بشود که اقتصاد ایران در اقتصاد جامعه جهانی ادغام بشود؛ ادغام! ادغام یعنی چه؟ اقتصاد جامعه جهانی چیست؟ آیا اقتصاد جامعه جهانی یک نظم عادلانه و منطقی و عقلانی است؟ ابدأً اقتصادی که نقشه آن را جامعه جهانی کشیده است و مظاهر گوناگون آن در همه دنیا گسترده است، عبارت است از نقشه‌ای و نظامی که سرمایه‌داران عمدتاً صهیونیستی و بعضاً غیر صهیونیستی برای تصرف منابع مالی همه دنیا طراحی کرده‌اند. این نظم جامعه جهانی و اقتصاد جهانی است. اینکه یک کشوری اقتصادش را ادغام کند در اقتصاد

جهانی، افتخار نیست؛ این خسارت است، این ضرر است، این شکست است (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259). در نظر ایشان جامعه و نظام نبوی، وابسته و محتاج دیگران نبوده و عزت و اقتدار و تصمیم‌گیری از مؤلفه‌های اصلی و مهم آن جامعه خواهد بود که برای شناخت صلاح خود تلاش نموده و تأمین مصالح خود را در دستور کار قرار خواهد داد. بدیهی است جامعه اسلامی نیز بایستی برخوردار از آن مؤلفه‌ها باشد (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3066).

۵. ارتباط فرایندهای شناختی و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

شناخت و درک ضرورت یک مسئله و نتایجی که بر آن بار می‌شود و فوایدی که از آن نصیب انسان می‌شود، یکی از بهترین روش‌هایی است که سبب ترغیب انسان برای حرکت به سمت آن مسئله و عملیاتی نمودن آن خواهد شد. استدلال‌های مختلفی که برای پذیرش یک امر و اقناع اذهان مردم در جامعه صورت می‌گیرد، در صورتی‌که از این راهبرد تبعیت نمایند، اثرگذاری بیشتری خواهند داشت و در پیشبرد جامعه به سمت اهداف از پیش تعیین شده موفق‌تر خواهند بود. تئوری اقتصاد مقاومتی نیز مستثنای از این راهبرد نبوده و فهم و درک ضرورت‌های آن توسط افراد جامعه، اعم از مسئولین و آحاد مردم، به عملیاتی نمودن آن کمک شایانی می‌نماید؛ کشف و درک صحیح مزیت‌ها و فواید واصله از اجرایی شدن این تئوری اقتصادی، جای هیچ تعللی برای تحقق آن نخواهد گذاشت.

سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، با ارائه اصول لازم‌الرعایه در تحقق این تئوری، راه را برای عملیاتی نمودن آن فراهم‌تر می‌نماید، لکن با پیوند میان آنها و بنیادهای منطقی شناخت انسان، مسیر درک ضرورت اقتصاد مقاومتی و عملیاتی نمودن هرچه سریع‌تر آن در جامعه هموارتر شده و دستیابی افراد جامعه به نتایج و بهره‌های آن را سهل‌تر می‌نماید. بدیهی است آنجایی که شناخت منطقی انسان، راه‌حلی برای درک صحیح مؤلفه‌های مستخرج از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بعد علم و فناوری را کشف و ارائه نماید، گام‌های بلندی در اجرای آن سیاست‌ها و به تبع آن، عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی خواهد بود.

۵.۱. بهره‌گیری از فرایند یادآوری در معرفی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

بنا بر آنچه پیش‌ازین درباره فرایند یادآوری و نکاتی که برای بهره‌گیری و عملیاتی نمودن بیشتر آن گفته شد، استفاده از وجوه اشتراک و افتراق دو اتفاق و نیز یافتن سرخ‌های کلیدی، به یادآوری بهتر آن اتفاق کمک می‌کند. بدیهی است هرچه میزان یادآوری یک مطلب بیشتر و بازه زمانی یادآوری آن کمتر گردد، ماندگاری آن مطلب در اذهان بیشتر و امید به عملیاتی نمودن آن در خارج بیشتر خواهد بود؛ زیرا تصور و تصدیق بدیهی یک اتفاق در ذهن، به اراده انجام آن در خارج کمک نموده و تحقق آن حادثه را نزدیک‌تر خواهد نمود.

فرایند یادآوری را می‌توان درباره مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی نیز به کار گرفت و با ایجاد تصورات روشن از آنها در اذهان افراد جامعه و نیز یادآوری آن تصورات، جامعه را به سمت تحقق اقتصاد مقاومتی سوق داد. حوادث و اتفاق‌های مختلفی که در تاریخ و فرهنگ یک جامعه وجود دارد، تجربه‌هایی را برای افراد آن جامعه ساخته که رجوع به آنها و یادآوری آنها، حرکت آن جامعه به سمت اهداف تعریف‌شده را تسهیل نموده و دستیابی به آن اهداف را نزدیک‌تر می‌نماید.

بررسی و کشف تجربیات جامعه در خصوص عملیاتی نمودن مفاهیم مردم پایه بودن، دانش‌بنیان بودن، استقلال و خودکفایی و عدالت در امور، می‌تواند این مفاهیم را به اقتصاد نیز سرایت داده و باور به عملیاتی نمودن آن را نزدیک به‌واقع و فواید ناشی از اجرای آن را ملموس‌تر نماید. تجربه‌های اقتصادی جامعه ایران در دوران جنگ تحمیلی و سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، گواه‌های مناسبی در امکان عملیاتی نمودن مفاهیم یادشده در اقتصاد است که یادآوری آنها برای افراد جامعه به شیوه‌های گوناگون، ضمن بدیهی ساختن تصورات و تصدیقات از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، امکان اجرای آن در اذهان مردم جامعه را بیشتر و تصدیق به فایده‌های آن را فراوان‌تر و به‌تبع آن گام‌های افراد جامعه برای اجرای آن را مستحکم‌تر خواهد نمود؛ لذا در این زمینه می‌توان به رسالت صداوسیما و رسانه‌های جمعی و نیز فضای مجازی اشاره داشت و اهمیت کار در این عرصه‌ها را یادآور شد.

۵.۲. برقراری ارتباط میان خصوصیات فطری انسان و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

برقراری ارتباط میان مطالب، یکی از فرایندهایی است که به شناخت یک مسئله در انسان منجر شده و معرفت حاصل از آن مبنای عمل برای او خواهد شد. یکی از مؤلفه‌های اساسی در سیاست‌های

اقتصاد مقاومتی، تأکید بر مردم پایه بودن اقتصاد است. ظرفیت‌هایی شناختی و معرفتی انسان قادر است مسائل دیگری را در این باره تصور نموده و میان آنها ارتباط برقرار نماید تا درک این مؤلفه از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را روشن‌تر و التزام عملی به آن را سهل‌تر می‌نماید.

منفعت‌طلبی و سود خواهی یکی از خصوصیات ذاتی انسان است که بدون استثناء در همه افراد بشر وجود دارد و تلاشی همه‌جانبه برای بالفعل نمودن از ناحیه آنها در طول مدت حیات، صورت خواهد گرفت. از جمله مزیت‌های مهم اقتصاد مردم پایه در این است که منفعت‌طلبی افراد جامعه، عامل بزرگی برای هدایت اقتصاد به سمت بهره‌مندی همه افراد جامعه از آن خواهد بود. این مؤلفه اقتصاد مقاومتی کمک می‌کند تا افراد جامعه، خود منفعت خویش را تشخیص داده و بااراده خود، برای دستیابی به منافع تلاش نمایند. گره‌زدن اقتصاد جامعه به منفعت مردم و استفاده از ظرفیت‌های همان افراد برای دستیابی‌شان به منافع خودساخته، اراده آنها در انجام فعالیت‌های اقتصادی مربوطه را قوت بخشیده و تمرکز آنها برای انجام هرچه بهتر فعالیت‌ها را شدت خواهد بخشید.

برقراری پیوند میان اقتصاد مردم پایه و منفعت‌طلبی انسان، به شناخت بهتر مردم پایه بودن اقتصاد مقاومتی کمک می‌کند و شناخت بهتر این مؤلفه مهم، التزام به آن را بیشتر و در نهایت تحقق اقتصاد مقاومتی را نزدیک‌تر می‌نماید؛ از این‌رو می‌توان از این ظرفیت شناختی و معرفتی انسان، در ارائه تصویر روشن‌تری از اقتصاد مقاومتی به آحاد جامعه و فهم ضرورت آن بهره برده و اجرای آن را سرعت بخشید.

از دیگر خصوصیات و ویژگی‌های ذاتی انسان عدالت‌خواهی انسان می‌باشد. عدالت‌طلبی در فطرت انسان ریشه دارد و آرمان مشترک همه انسان‌ها و جوامع، شناخته می‌شود و محصول فطرت پاک و سرشت طبیعی افراد است؛ بنابراین، هر انسانی گرچه ممکن است در رفتارهای شخصی‌اش خلاف عدل و عدالت رفتار کرده، به دیگران ستم کند، ولی به طور فطری، به عدالت و انصاف، تمایل دارد و از ظلم و بی‌عدالتی، متنفر است. چنانچه از این ظرفیت عدالت‌خواهی انسان و ارتباط با آن با مؤلفه عدالت اقتصادی استفاده شود زمینه‌ای ایجاد می‌شود که جامعه آرمان و آمال موردعلاقه خود را در این مسیر می‌یابد و سعی می‌کند در جهت تحقق هرچه بهتر سیاست‌ها و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی گام بردارد.

از جمله ویژگی‌های دیگر انسان که می‌توان به آن اشاره کرد ویژگی استقلال طلبی است. انسان مایل به استقلال طلبی در همه ساحت‌های زندگی می‌باشد. علاقه و تمایل به استقلال طلبی و عزت نفس باعث تنفر و انزجار او از ذلت و تحقیر می‌شود. این ویژگی یک عامل اساسی در سعادت بشر می‌باشد و به لطف و حکمت باری تعالی عزت نفس با سرشت انسان ترکیب و ریشه در امور فطری بشر دارد. ارتباط مؤلفه استقلال و خودکفایی اقتصادی با میل استقلال طلبی و عزت نفس باعث گره خوردن تمایلات و آرزوهای افراد به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌شود و افراد جامعه زمینه دستیابی به این میل را فعالیت و کوشش در این جهت می‌دانند؛ لذا هر چه ارتباط شفاف‌تر و محکم‌تر برقرار شود ظرفیت بیشتری برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مهیا می‌شود و در نهایت نیز جامعه از این سیر منتفع می‌شود.

از جمله خصوصیات قابل اشاره دیگر اقناع فطری انسان می‌باشد. اقناع فطری اشاره به برانگیختن روح فطری و پرهیز از استدلالات صرف در امور مختلف می‌باشد. اقناع فطری بدین معنا می‌باشد که چنانچه انسان در خصوص امری به اقناع برسد و آن را مطابق با فطرت خود بباید، خود مبلغ و پیام‌رسان آن امر خواهد شد. حال اگر ما بتوانیم از طریق مؤلفه گفت‌مان‌سازی به اقناع فطری افراد جامعه برسیم، یعنی اینکه توانستیم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را مطابق فطرت افراد جامعه نشان دهیم و در ادامه باتوجه به هماهنگی و ارتباط ایجاد شده حرکت و جوشش به سمت تحقق سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی جهت پیدا می‌کند؛ لذا در گفت‌مان‌سازی چنانچه سعی و تلاش بر رساندن پیام به قلب و جان مخاطبان صورت بگیرد اقناع بهتری صورت خواهد گرفت و یک ظرفیت شناختی کارآمدی برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ایجاد خواهد شد. برای اقناع تکنیک‌ها و فنون مختلفی وجود دارد که به‌عنوان نمونه می‌توان به تبلیغ، تقلید، تلقین، غفلت زدایی، آموزش و اطلاع‌رسانی اشاره نمود.

از جمله ویژگی‌های ذاتی دیگر انسان‌ها، تمایل به نوآوری می‌باشد. با نوآوری، امکان افزایش سود و سهم بازاری بنگاه‌ها از طریق بهبود کیفیت محصولات و خدمات و نیز معرفی نسل جدید آنها به بازار، استفاده بهینه از منابع و همچنین ارتقای سطح فناوری موجود برای تولید با فرایند کارا تر فراهم آمده و در نهایت باعث دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر کشور می‌گردد. براین اساس، نوآوری به‌عنوان یکی از بنیان‌های اصلی حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان به شمار می‌آید. حال

چنانچه بین نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان به‌خوبی و به‌طور عملی ارتباط برقرار گردد و در راستای خواسته‌ها و نیازهای جامعه قرار گیرد، به‌طور خودکار جامعه به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و در ادامه به سمت تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی گرایش پیدا خواهد کرد.

۵.۳. برقراری پیوند میان مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با نمادها

از ظرفیت نمادسازی انسان نیز می‌توان استفاده نمود. همان‌طور که اشاره شد یکی از ویژگی‌های ذاتی انسان عدالت‌خواهی می‌باشد و انسان‌ها به‌طور فطری علاقه‌مند به عدالت می‌باشند. یکی از نمادهایی که ما در حوزه عدالت اقتصادی می‌توانیم آن را مطرح کنیم و زمینه بسیار زیادی برای کار و فعالیت دارد مطرح نمودن مولا علی علیه السلام به‌عنوان نماد عدالت اقتصادی می‌باشد. باتوجه‌به محبوبیت و علاقه‌مندی مولا علی علیه السلام به‌خصوص در میان شیعیان و همچنین پذیرش ایشان به‌عنوان یار و صحابی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام در میان اهل سنت و حتی در میان سایر مذاهب از جمله مسیحیان، امکان مطرح نمودن ایشان به‌عنوان نماد اقتصادی را افزایش می‌دهد. در ادامه وقتی این نماد برای مردم برجسته شد و به‌عنوان جزئی از نیازها و خواسته‌های آنها مطرح شد با طرح سیاست‌های اقتصادی می‌توان این نیاز و خواسته مردم را به سمت این سیاست‌ها هدایت کرد و به‌نوعی برآورده شدن نیازهای جامعه را در گرو تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مطرح نمود.

از جمله ویژگی‌های دیگر انسان استقلال‌طلبی می‌باشد. می‌توان یک نماد در این زمینه مطرح نمود و با استفاده از آن جامعه را سمت‌وسوی موردنظر هدایت نمود. یکی از شخصیت‌هایی که در این حوزه می‌توان به‌عنوان نماد استقلال‌طلبی مطرح نمود امام خمینی علیه السلام می‌باشد. باتوجه‌به سوابق مبارزاتی طولانی ایشان، آثار و مطالب فراوانی که در این خصوص از ایشان با یادگار مانده، و همچنین اینکه ایشان شخصیتی معاصر می‌باشد و مردم جامعه از نزدیک با آرا و نظرات ایشان آشنا می‌باشند و دلایل دیگری که می‌توان مطرح نمود امکان پذیرش شخصیت امام را به‌عنوان نماد استقلال‌طلبی افزایش می‌دهد. چنانچه این قضیه با موفقیت طرح شود و از طرف دیگر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به‌گونه‌ای مطرح کرد که یکی از مؤلفه‌های آن استقلال‌طلبی باشد، در نتیجه مردم به ثمر رسیدن خواسته‌ها و نیازهای خود را از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مطالبه می‌کنند و همین امر باعث حرکت جامعه به سمت اقتصاد مقاومتی می‌شود.

۴.۵. معرفی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با بهره‌گیری از فرایند تصویرسازی

فرایند تصویرسازی نیز از جمله فرایندهایی است که در حوزه شناخت می‌تواند اثرگذار بوده و با ارائه تصاویر مطلوب از یک امر، در پذیرش و التزام به آن امر توسط مردم، مؤثر واقع شود. درباره مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی نیز می‌توان از این فرایند بهره برد؛ چنانچه تصویر اقتصاد مقاومتی در اذهان مردم جامعه با مفاهیم اقتصادی مشارکتی و مبتنی بر روش‌های علمی گره‌خورده و تورم حداقلی به همراه رشد متوازن و مستقل از کشورهای دیگر از لوازم آن معرفی شود. می‌توان به این تصویر ویژگی‌های دیگری چون درون‌زا بودن، اتکای به توان داخلی، افزایش اشتغال و بهره‌گیری حداکثری از منابع روزمینی و زیرزمینی را نیز افزود و طبیعتاً تصویری که بتواند این همه مفهوم عالی را منعکس کند علاوه بر ماندگاری در اذهان افراد جامعه، شوق و اشتیاق آنها را برای عملیاتی نمودن این مفاهیم و تحقق اقتصاد با چنین ویژگی‌هایی را مضاعف می‌نماید؛ زیرا ذات منفعت‌طلب انسان همواره منافی را که برای خود متصور است را جذب نموده و تمام تلاش خود برای دستیابی به آنها را بکار خواهد بست. برای روشن شدن این تصویر می‌توان از نمونه‌های خارجی که از برخی ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی بهره برده و منافع آن را هویدا ساخته‌اند استفاده نمود و با معرفی آن نمونه‌ها، امکان دستیابی به این ویژگی‌ها را در اذهان مردم فزونی بخشید؛ کشور اندونزی از جمله این مصادیق است که علی‌رغم ظرفیت‌ها و امکانات فاصله‌دار با کشور ایران، توانسته است برخی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را در جامعه خود به اجرا درآورده و افراد خود را از منافع موجود آن بهره‌مند سازد.

نتیجه

باتوجه به آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت:

- سیاست‌های اقتصاد مقاومتی گامی در جهت عملیاتی نمودن این الگو در اقتصاد جامعه هستند و ظرفیت‌های شناختی انسان، گامی دیگر برای فهم بهتر و بیشتر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و به تبع آن، تحقق اقتصاد مقاومتی خواهد بود؛ یادآوری، برقراری ارتباط میان مطالب، نمادسازی و تصویرسازی چهار فرایند شناختی هستند که از آنها به‌عنوان ظرفیت‌های شناختی انسان نام‌برده شد؛

- پنج مؤلفه اقتصاد مردم پایه، اقتصاد دانش‌بنیان، عدالت اقتصادی، گفتمان‌سازی، استقلال و خودکفایی، مؤلفه‌های مستخرج از سیاست‌های حوزه علم و فناوری هستند که میان آنها و فرایندهای شناختی ارتباط برقرار شده است؛
- در فرایند یادآوری با بهره‌گیری از وجوه اشتراک و افتراق میان دو پدیده یا سرخ‌های کلیدی موجود، می‌توان مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را به سبب اتفاقات گذشته و حال یادآور شد و گسستگی میان آنها و زندگی افراد جامعه را دور از ذهن یادآور شد؛ این مسئله به تحقق اهداف و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی کمک خواهد کرد؛
- با استفاده از فرایند برقراری ارتباط میان مفاهیم، می‌توان میان مؤلفه‌های مستخرج از اقتصاد مقاومتی با خصوصیات فطری انسان پیوند برقرار نموده و فهم و پذیرش آن مؤلفه‌ها را سهل‌تر و به‌تبع آن، عملیاتی نمودن آنها را دنبال نمود؛
- برای تبیین و معرفی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و نیز نزدیک نمودن آنها به تحقق خارجی، می‌توان از نمادهایی استفاده نمود که مستقیم یا غیرمستقیم تصاویری از آن مؤلفه‌ها را در ذهن بشر ایجاد نموده و پیوند میان آنها و ذهن انسان را بیشتر نماید؛ این نمادها محرکی برای عملیاتی نمودن مؤلفه‌های یادشده خواهند بود؛
- فرایند تصویرسازی نیز یکی دیگر از ظرفیت‌های شناختی انسان است که با خلق تصاویر و تصویری هرچه روشن‌تر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، اذهان افراد جامعه را به‌سوی درک بهتر و تصدیق سریع‌تر و پذیرش بیشتر آن مؤلفه‌ها پیش خواهد برد؛ لذا از فرایندهای شناختی انسان می‌توان به‌عنوان ظرفیت بزرگی در معرفی و ایجاد جایگاه ضروری اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن بهره برد و مقدمات استقلال و خودکفایی و رفاه هرچه بیشتر جامعه اسلامی را فراهم نمود. بدیهی است که در این زمینه ارگان‌ها و نهادهای بسیاری از جمله صداوسیما، اصحاب رسانه، آموزش و پرورش و آموزش عالی، رسالت‌های فراوانی به دوش دارند تا با تلاش در این عرصه، گام‌های عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی را بردارند.

منابع

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- اسماعیلی، بابک (۱۳۹۰)، *از مقاومت اقتصادی تا اقتصاد مقاومتی*، هفته‌نامه پنجره، ۱۳۹۰، شماره ۸۵.
- باقری، علی و موسوی، سید مصطفی (۱۳۹۷)، *مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی و تبیین نقش و جایگاه آن در دوران پساتحریم*، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، زمستان ۱۳۹۷، سال ششم، شماره ۲۴، صفحات ۱۴۷-۱۱۱.
- پیغامی، عادل (۱۳۹۴)، *درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی*، تهران: انتشارات سدید.
- _____ (۱۳۹۱)، *پرونده اقتصاد مقاومتی*، ماهنامه آموزشی اطلاع‌رسانی معارف، شماره ۹۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، *ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی*، برگرفته از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (www.khamenei.ir)، تاریخ انتشار ۱۳۹۲/۱۱/۲۹، کد خبر ۲۵۳۷۹.
- سیف، اله مراد؛ شیخ، علیرضا و دیگران (۱۳۹۳)، *الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران برابر تحریم‌های استکبار جهانی*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- رجایی، سیدمحمدکاظم و معلمی، سیدمهدی (۱۳۹۰)، *درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن*، مجله معرفت اقتصادی، بهار و تابستان ۱۳۹۰، سال دوم، شماره دوم، پیاپی چهارم صفحه ۳۰-۵.
- عباس‌آباد عربی، احسان و بابائیان‌پور، مرضیه و فکری، رکسانا (۱۳۹۳)، *مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمان‌ها*، فصلنامه راهبرد، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۷۱.
- قربی، محمدجواد (۱۳۹۵)، *رویکرد انتقادی درباره برداشت‌های رایج از اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی ایران*، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ویژه‌نامه اقتصاد مقاومتی.
- عبدالملکی، حجت‌اله (۱۳۹۳)، *اقتصاد مقاومتی درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل*، تهران: انتشارات سدید.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۳)، *آموزش فلسفه*، ج اول، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه‌السلام.
- مقیمی، سید محمد (۱۳۹۱)، *سخن سردبیر*، دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال بیستم، شماره یک.

- معاونت برنامه‌ریزی (۱۳۹۳)، امور کمیسیون‌ها، دبیرخانه‌ها و شوراها، اقتصاد، مجموعه اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی، تهران: انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- میلانی، جمیل (۱۳۹۴)، *اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن*، مجله اقتصادی، شماره ۷ و ۸، مهر و آبان.
- نیکنامی، رکسانا (۱۳۹۳)، *بررسی علل شکل‌گیری شکاف شمال و جنوب در اتحادیه اروپا*، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳.
- نیک‌چهر محسنی (۱۳۸۲)، *نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد*، تهران: پردیس.
- Schiliro, D (2012), “*Knowledge-based Economies and the Institutional Environment*”, Università degli Studi di Messina, 1-13.

سایت:

- [www://maslahat.ir](http://www.maslahat.ir)
- <https://article.tebyan.net/192495>
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3066>
- <https://www.leader.ir/fa/content/11480>
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259>
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20831>
- https://www.civilica.com/Paper-ISCCONFERENCE01-ISCCONFERENCE01_012.html